

گزارشی از مرارتهای شغلیِ کارگرانِ نانوائی؛ کار در نانوائی، بازی دو سر باخت است



کار در یک نانوائی به علت تماس دائم با گرد و غبار آرد و زبانه‌های آتش به اندازه کافی سخت است؛ با این حال غیر از «شاطر» شغل ۳ کارگری دیگری که با وی زیر یک سقف کار می‌کنند، سخت محسوب نمی‌شود. کارگران چه مطالباتی در این زمینه دارند و چرا به حق خود نرسیده‌اند؟

به گزارش صنعت غذا و کشاورزی به نقل از خبرنگار ایلنا، شغلی که از هشت هزار سال پیش از میلاد مسیح در مصر باستان «قوت غالب» مردم را تامین می‌کرد و البته سخت و مشقت‌بار بود، امروز در ایران همچنان همان وضعیت را دارد. سروکار داشتن با آتش و حرارتِ سیری‌ناپذیر آن قاعدتا کار هرکسی نمی‌تواند باشد؛ با این حال کارگران خباز خصوصا شاطر (نان‌پز) ناچار به تماس مسقیم با آن هستند و باید عوارض آن را هم تا آخر عمر در بدن خود میزبانی کنند.

اوضاع درباره سه کارگر دیگری هم که زیر یک سقف با شاطر با کار می‌کنند، چندان بهتر نیست. همگی آنها ناچار هستند که ۱۶ ساعت (۶ صبح تا ۱۰ شب) از روز را سرپا باشند و مرارتهای را تحمل کنند و

بعضا برخوردهای ناشایست برخی از مشتریان را، با همه اینها در اکثر استانهای کشور تنها شغل شاطر را در ردیف مشاغل سختوزیانآور قرار داده‌اند و شغل پیشکار (کارگری که نان را از تنور بیرون می‌آورد)، خمیرگیر (کارگری که خمیر را چانه می‌زند) و وابر (کارگری که خمیر را پهن می‌کند) را سخت شناخته‌اند. البته استثنائاتی همچون استان اصفهان وجود دارند که با پیگیری انجمن صنفی کارگران خباز این استان؛ هر ۴ شغلی که کارگران خباز در آن کار می‌کنند را در ردیف مشاغل سخت قرار داده‌اند.

در آیین‌نامه مشاغل سختوزیانآور مصوب ۲۹ آذر سال ۱۳۷۹ به مشاغل سخت گفته می‌شود که در آنها عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار، غیراستاندارد بوده و در اثر اشتغال کارگر تنشی به مراتب بالاتر از ظرفیتهای طبیعی (جسمی و روانی) در وی ایجاد می‌کنند که نتیجه آن بیماریهای شغلی و عوارض ناشی از آن است.

البته مشاغل سخت به دو دسته ماهیتی و محیطی تقسیم‌بندی می‌شوند. سختوزیان آور دسته دوم را می‌توان حذف نمود اما سختی کار دسته اول را صرفا می‌توان با به به‌کارگیری تدابیر لازم کاهش داد و به‌صورت کلی قابل حذف نیست. به هر روی کارگران مشاغلی که شامل دسته دوم می‌شوند، می‌توانند با ۲۰ سال بیمه‌پردازی مستمر یا ۲۵ سال بیمه‌پردازی متناوب بدون شرط سنی بازنشست شوند.



مشکل یکی و دو تا نیست

اما مشکل کارگران خباز یکی و دو نیست؛ علاوه بر اینکه سازمان تامین اجتماعی مشاغل پیشکار، خمیرگیر و وابر را سخت نمی‌شناسد، جفای دیگری هم از سمت کارفرمایان به آنها می‌شود؛ آنها کارگران خود را بیمه نمی‌کنند یا به‌صورت مرتب برای آنها لیست بیمه رد نمی‌کنند؛ در نتیجه حتی اگر شغل آنها از نظر سازمان تامین اجتماعی در ردیف مشاغل سخت قرار گیرد؛ بدون برخورداری از بیمه پایه سازمان تامین اجتماعی، به‌صورت کلی بازنشستگی برای آنها به یک رویای دست‌نیافتنی تبدیل می‌شود؛ در نتیجه نمی‌توان این دو را از هم جدا دید.

به همه اینها بیماریهای خانمان‌سوز و پرهزینه که کمترینشان انواع

سرطان‌های پوستی و کبد است و منتظر عنایت دستگاه‌های مربوطه و کارفرمایان متخلف به کارگران خباز نمی‌شوند و بدن کارگران شاغل در خبازی را مورد حمله قرار می‌دهند و ضعیف می‌کنند را باید اضافه کرد.

همین حالا هزاران کارگر خباز با همین وضعیت در ۱۱ هزار کارگاه خبازی کشور وجود دارند که تقریباً از قرار گرفتن مشاغلشان در ردیف مشاغل سخت ناامید شده و پیگیری‌های انجمن‌های صنفی کارگری خباز استان‌هایشان به این منظور به هیچ نتیجه‌ای نرسیده است.

سوءاستفاده همیشگی و بازی دو سر باخت

«**رمضان محمدولی**» کارگر خبازی که چند سالی است بازنشسته شده و حالا رئیس انجمن اسلامی کارگران خباز است، درباره مرارت‌هایی که یک کارگر در این شغل باید به جان بخرد می‌گوید: ابتدا باید بگویم که خودم سال‌ها پیگیر بازنشستگی با قانون مشاغل سخت‌وزیان آور بودم؛ اما مشمول آن نشدم؛ البته حتی اگر مشمول هم می‌شدم از آنجا که کارفرمایانی که با آنها در تمام این سال‌ها سر و کار داشتم؛ لیست بیمه‌ای خود را به موقع و صحیح رد نمی‌کردند و اسم من کارگر را با وجود الزام قانونی در آن نمی‌گنجاندند؛ بازنشستگی با استفاده از این قانون برایم عملاً ممکن نمی‌شد؛ نوعی سوءاستفاده همیشگی و بازی دو سر باخت برای من کارگر.

به گفته‌ی محمدولی، یک کارگر خباز فارغ از اینکه چه کاری انجام می‌دهد باید زودتر از همه در ساعت پنج صبح از خواب بیدار شود و شب هم دیرتر از همه به خانه برگردد. وی می‌افزاید: البته کارگران خباز که مثلاً از شهرستان‌های دور به خبازی‌های مستقر در شهرها می‌آیند، شب را در محل کار خود صبح می‌کنند، چون که خانه رفتن و استراحت کردن عملاً در این شرایط معنایی ندارد؛ چراکه کارگر باید شش صبح کارش را شروع کند. از طرفی برخلاف کارهای دیگر که فرد در محل کارش است اما کاری برای انجام دادن ندارد، کارگر خباز به غیر از ساعت‌های استراحتی که از قبل با کارفرما توافق کرده، باید بموقفه کار بکند و این یعنی اینکه خانواده و دوست را کم کم فراموش کند و با کارش زندگی کند.

رئیس انجمن اسلامی کارگران خباز، بیماری‌های شغلی را اولین آفت گره خوردن کار و زندگی می‌داند و به تجربه خود اشاره می‌کند: من روی هر نان ده تا دنده می‌زدم و هر روز این کار را روی سه هزار نانی که

پخت می‌کردیم انجام می‌دادم. شب که خانه می‌رفتم دیگر دست مرا همراهی نمی‌کرد و نمی‌توانستم آن را بالا بیاورم و چیزی را بگیرم و این یعنی اینکه دستم از کار می‌افتاد. همین حالا هم با آرتروز مزمن زندگی می‌کنم البته این تنها و آخرین عوارض این کار در بدن من نبود.

از اینجا به بعد این کارگر بازنشسته از سروکله زدن با آتش و مضرات آن سخن می‌گوید؛ از استرسی که حرارت آتش به جان کارگران می‌اندازد و آنها در جوانی به پیری زودرس مبتلا می‌کند.

[illegible]

محققان این پژوهش دانشگاهی همچنین تاکید کرده‌اند: استرس گرمایی در نانوائی‌های کاشان نگران کننده بود و در نانوائی‌های سنتی به مراتب بیشتر از نانوائی‌های ماشینی.

با این حال همین ۴۵ درصد استرس گرمایی هم برای یک شاطر که در یک نانوائی ماشینی کار می‌کند، زیاد است. امری که موجب شده سازمان تامین اجتماعی در برقراری سختی کار میان شاطر در نانوائی سنتی و نانوائی ماشینی تفاوتی قائل نشود؛ اما قرار نیست که گرما و استرس ناشی از آن که شیره جان را می‌کشد، تنها شاطر را بیازارد و «پیشکار» که نان را از تنور درمی‌آورد، هم از عوارض تماس با آن محروم نمی‌شود!

رئیس انجمن اسلامی کارگران خبار می‌افزاید: این حرارت؛ آتش پیری زودرس و سفیدی مو را با خودش می‌آورد. چشم کارگر را آرام آرام خشک می‌کند و در روزهای گرم تابستان خصوصا در شهرستان‌های گرم‌سیر، چشم‌ها را تبدیل به یک کاسه خون می‌کند. این چشم دیگر چشم بشو نیست چراکه تا آخر عمر ناخواسته از آن اشک جاری می‌شود. چهره خود من همیشه علائم سوختگی داشت. همین حالا اگر به چهره یک کارگر خبار نگاه کنید گونه‌های سوخته و قرمز دارد. شما البته به همه این

مواردی که گفتم کاهش تعداد کارگران یک ناوایی را هم اضافه کنید، کاهش تعداد کارگران از ۷ نفر و ۴ نفر به یک نفر و دو نفر. حالا همه بار کار بر دوش تعداد کارگران کمتری می‌افتد. مثلاً در لواشی‌ها به تازگی تعداد کارگر یک نفر شده است؛ این یعنی اینکه یک نفر باید هم پای تنور بایستد و هم اینکه خمیر را چانه‌گیری و پهن کند؛ این یعنی کار بیشتر و بیماری‌های بیشتر.

[illegible]

محمدولی به همین مساله اشاره می‌کند و می‌افزاید: همه کارگران خیار مشکل کبدی دارند. از آنجا که محیط کار آنها به گونه‌ای نیست که بتوانند در طول روزهای گرم تابستان کولر روشن کنند، مجبور هستند که آب یخ مصرف کنند، آب یخ هم به دستگاه گوارش آنها آسیب جدی می‌زند و این مساله حالا برای همه آنها دردسر شده است؛ آنهم وقتی که بسیاری از آنها بیمه نیستند و صفر تا صد هزینه‌های درمان بر دوش خودشان است؛ لذا کارگران نانواپی‌ها از همه لحاظ محروم هستند.

تاکید این فعال صنفی کارگری و کارگر سابق بر این امر که کارفرمایان خبازی‌ها بر کارگران جفا می‌کنند؛ در شرایطی است که بسیاری از کارگاه‌های خبازی در دست مستاجر است؛ یعنی کسی که مغازه را از صاحب اصلی آن اجاره کرده است؛ مستاجرین اتفاقاً رقم‌های بالایی را بسته به محل کارگاه به عنوان اجاره بها می‌پردازند. با این حال فعالان صنفی کارگران خباز از اینکه شرایط کار کارگران همچنان طاقت‌فرسا است و هزینه‌ای برای سلامت بهداشت محیط کار آنها نمی‌شود، گلایه‌مند هستند.

[illegible]

در تبصره یک این ماده قانون هم تاکید شده است که در صورتی که کارگر بیمار تشخیص داده شود کارفرما مکلف است که بدون کاستن از مزد کارگر، قسمت مناسبی را متناسب با حال وی برایش پیدا کند، تا کارگر بیکار نشود. در تبصره دو آمده است که در صورت وجود کارگر بیمار، که بیماری‌اش مربوط به محیط کار باشد، بازرسان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف به بازدید و تایید مجدد شرایط فنی و بهداشت و ایمنی کار خواهند بود.

اما آیا ماده ۹۱ قانون کار توسط کارفرمایان اجرایی می‌شود؟ محمودلی در پاسخ به این پرسش می‌گوید: نه! مستاجر کارگاه هرگز چنین کاری برای کارگران خود نمی‌کند. از آنجا که درآمد ناوایی‌ها به مانند گذشته نیست، تنها کاهش هزینه‌ها در دستور کار قرار دارد؛ به گونه‌ای که به تازگی بسیاری از کارفرمایان برای اینکه به کارگر حقوق و دستمزد ندهند و برای بیمه کردنش هزینه نکنند، خودشان آستین‌ها را بالا زده‌اند و کار می‌کنند. در نتیجه تشکیل پرونده پزشکی برای کارگر و هزینه کردن برای معاینه سالیانه وی در چنین شرایطی عملاً بی‌معنی است. اصلاً خیلی از این مستاجران یک بار هم قانون کار را نخوانده‌اند که حقوق متقابل کارگر و کارفرما را بشناسند و فقط می‌دانند اگر کارگر را بیمه نکنند سروکارشان با سازمان تامین اجتماعی است؛ که البته آن را هم یا اجرا نمی‌کنند یا به درستی اجرایی نمی‌کنند. به هر صورت سر کارگر بی‌کلاه مانده است.

رئیس انجمن اسلامی کارگران خبار تاکید دارد که کارگران خبار نمایندگان دلسوزی که پیگیر تعلق گرفتن سختی کار به تمام کارگران خبار بشوند را ندارند و آنها که در حال حاضر خود را نماینده کارگران در چانه‌زنی با کارفرمایان خبار معرفی کرده‌اند، عملاً یک روز هم کارگری نکرده‌اند و همین عامل موجب شده است که کارگران همچنان شاهد عدم افزایش دستمزد، نداشتن امنیت شغلی و تعلق نگرفتن سختی کار باشند.



این نکته‌ای است که «علی یزدانی» رئیس انجمن صنفی کارگران خبار کشور و رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگری استان اصفهان بر آن دست می‌گذارد و به ایلنا، می‌گوید: صدای کارگران خبار کشور که در پی تعلق گرفتن سختی کار و بازنشستگی با استفاده از مزایای آن هستند، شنیده نشده است. تنها در استان اصفهان با چانه‌زنی مستدل و مستندی که با سازمان تامین اجتماعی داشتیم توانستیم برای هر ۴ شغلی که

در یک کارگاه خبازی وجود دارد، سختی کار بگیریم. منتها در دیگر استان‌ها تنها شغل شاطر را سخت می‌شناسند که این به هیچ وجه کافی نیست. من البته این امر را تنها ناشی از سوء استفاده‌ها بالا دستی از ناحیه کارفرمایان و... نمی‌دانم بلکه آن را از ناحیه ضعف تشکلهای کارگری و مماشات آنها، هم می‌دانم. مثلا انجمن صنفی کارگران خباز در استان تهران واقعا دلسوزانه عمل نمی‌کند و مذاکرات ماهم برای متقاعد کردن رئیس آن به منظور پیگیری چنین مطالباتی بی‌نتیجه بوده است.

«...» ...
...
...
...
...
...

رئیس انجمن صنفی کارگران خباز استان اصفهان می‌افزاید: برای نمونه ما دستور العملی را که در استان اصفهان تهیه کرده بودیم را به استان کردستان هم فرستادیم تا در آنجا اجرایی شود با این حال هیچ تحولی رخ نداد و در بر همان پاشنه می‌چرخد. حتی در استان‌های جنوبی هم که گرما شدید مزید بر علت است؛ در این زمینه کاری انجام نشده است که اینها همه جفا در حق کارگر است؛ اصلا برای چه باید سلیقه‌ای عمل کرد؟!

اما قضیه به همین جا ختم نمی‌شود مطابق ماده ۱۴ آیین‌نامه مشاغل سخت مصوب سال ۱۳۸۶ کارفرما مکلف است پس از احراز شرایط بازنشستگی بیمه شده شاغل در کارگاه خود، چهار درصد میزان مستمری برقراری بیمه شده نسبت به سنوات اشتغال او در مشاغل سخت‌وزیان‌آور را که توسط سازمان تامین اجتماعی محاسبه و مطالبه می‌گردد را به طور یکجا به این سازمان پرداخت کند.

ماده ۱۴ این آیین‌نامه اما چندی است که دردسری بزرگ برای کارگران مشمول خود ایجاد کرده است؛ کارفرمایان بهانه می‌کنند که توان پرداخت این ۴ درصد را ندارند. سازمان تامین اجتماعی هم تا زمانی که کارفرمایان به‌صورت یکجا آن را پرداخت نکنند، کارگر را بازنشسته محسوب نمی‌کند. در نتیجه همین حالا کارگران بسیاری در سطح کشور وجود دارند که معطل بازنشستگی هستند.

وقتی این پرسش را با یزدانی در میان می‌گذاریم که آیا کارفرمایان

خباز ۴ درصد مابه‌التفاوت بازنشستگی کارگران مشمول قانون مشاغل سخت را می‌پردازند، می‌گوید: نه خیر نمی‌پردازند و با این کار خود عملاً دست کارگر را در پوست گردو می‌گذارند. این حساب و کتابی است که سازمان تامین اجتماعی با کارفرمایان دارد و نباید کارگر را اسیر آن کنند؛ این قضیه‌ای است که به کارگر مربوط نمی‌شود اما کارگر پاسور آن می‌شود. سازمان تامین اجتماعی باید به گونه‌ای رفتار کند که در بازنشستگی کارگر اخلاقی ایجاد نشود، بعد هم خود در مراحل بعدی طلبش را از کارفرما مطالبه کند. آیین‌نامه مشاغل سخت نباید برای کارگر قوز بالا قوز شود!

یزدانی تاکید می‌کند که بیماری‌های ناشی از محیط کار (درد مفاصل، نازایی، واریس، سرطان‌های پوست و دستگاه گوارش، جابجایی مهره‌های کمر، ناراحتی‌های چشم و...) برای کارگران خباز می‌طلبد که وزارت کار بیشتر از این اینها در خصوص شرایط کار کارگران خباز دقت به خرج دهد؛ آنهم در شرایطی که دستمزد کارگران خباز از سال ۱۳۸۳ تاکنون تغییری نیافته است؛ دستمزدی که براساس پیمان‌های دست جمعی کار تعیین می‌شود. وی می‌افزاید: از طرفی اگر کارگر خباز امنیت شغلی داشته باشد و به راحتی توسط کارفرمای خود اخراج نشود می‌تواند به شرایط طاقت‌فرسای کار اعتراض کند؛ اما با این اوصاف این یک مورد هم امکان‌پذیر نیست.

لزوم اجرای ماده ۹۱ و ۵۲ قانون کار

با در نظر گرفتن همه این موارد، شرایط کار کارگران خباز همانند سایر کارگرانی که در مشاغل سخت کار می‌کنند (آنهايي که با تنور، مواد شیمیایی، گرد و غبار و سایر آلاینده‌های محیطی) سروکار دارند، به معنای واقعی کلمه «غیر قابل تحمل» است. طبیعتاً این امر اقتضا می‌کند که نهادهایی که بر شرایط کار آنها نظارت می‌کنند؛ اقداماتی موثر و راهگشا برای کاهش آلام آنها اقتضا کنند.

این حرف به معنای اجرای قوانین حمایتی موجود (ماده ۹۱ قانون کار و تبصره‌های آن) است. حتی ماده ۵۲ قانون کار که ذکر کرده است که در کارهای سخت‌وزیان آور ساعات کار نباید از شش ساعت در روز و ۳۶ ساعت در هفته تجاوز نماید برای «شاطر» که شغلش سخت شناخته شده است؛ اجرایی نمی‌شود و همان‌طور که گفته شد، یک شاطر روزی ۱۶ ساعت کار می‌کند.

اینکه مرتب در سال‌های گذشته و به مناسبت‌های مختلف از جمله هفته

کارگر گفته شود «کارگر بودن یک افتخار است» درست؛ اما نباید کارگر را بدون حمایت‌های قانونی در مسیر افتخار کردن به حال خود رها کرد؛ آنهم کارگرانی که با گرد نشسته آرد بر ریه‌های خود سر و کار دارند و زبانه‌های آتش!

گزارش: پیام عابدی